

ماجرای غم انگیز فدک

داستان فدک یکی از غم‌انگیزترین و پرغو‌اترین داستان‌های زندگی فاطمه بانوی اسلام(علیها السلام) خصوصاً، و اهل بیت (علیهم السلام) و تاریخ اسلام به طور گسترده و عام است، که آمیخته با توطئه‌های سیاسی و فراز و نشیب‌های فراوانی می‌باشد و دریچه‌ای است برای حل قسمتی از معماهای مهم تاریخ صدر اسلام.

«فدک» به طوری که بسیاری از مورخان و ارباب لغت نوشته‌اند قریه آباد و حاصل خیزی بود در سرزمین «حجاز» نزدیک «خیبر» که میان آن و مدینه دو یا سه روز راه بود، بعضی این فاصله را صدو چهل کیلومتر نوشته‌اند و در آن چشمه‌ای جوشان و نخل‌های فراوانی بود و بعد از خیبر نقطه اتکاء یهودیان در حجاز به شمار می‌رفت.

در اینکه چگونه «فدک» این آبادی خرم و سرسبز به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) منتقل شد، معروف چنین است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بعد از آنکه از فتح خیبر بازگشت خداوند رعب و وحشت را در قلوب اهل فدک که از یهودیان سرسخت بودند، افکند، آنها کسی را خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرستادند، و با او صلح کردند، در برابر اینکه نیمی از «فدک» را به آن حضرت(صلی الله علیه و آله) واگذار کنند، پیامبر(صلی الله علیه و آله) از آن‌ها پذیرفت و این صلح را امضاء فرمود.

به این ترتیب «فدک» خالصه رسول الله(صلی الله علیه و آله) شد، زیرا طبق قرآن مجید چیزی که به دست مسلمین بدون جنگ بیفتد منحصرأ حق پیامبر(صلی الله علیه و آله) است و به صورت غنائم جنگی تقسیم نمی‌شود و به این ترتیب پیامبر(صلی الله علیه و آله) «فدک» را در اختیار گرفت و درآمد آن را در مورد واماندگان در راه «ابن السبیل» و مانند آن‌ها مصرف می‌کرد.

این سخن را «یاقوت حموی» در «معجم البلدان» و «ابن منظور اندلسی» در «لسان العرب» و عده‌ای دیگر در کتابهای خود آورده‌اند. «طبری» نیز در تاریخ خود و «ابن اثیر» نیز در کتاب «کامل» به آن اشاره کرده‌اند.

این را نیز بسیاری از مورخان نوشته‌اند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در حیات خود «فدک» را به بانوی اسلام فاطمه زهرا(علیها السلام) بخشید.

گواه روشن این واگذاری اینکه بسیاری از مفسران از جمله مفسر معروف «جلال الدین سیوطی» از علمای معروف اهل سنت در تفسیر «در المتثور» در ذیل آیه (سوره اسراء/ ۱۶) «و آت ذالقربی حقه» (حق نزدیکان را به آن‌ها بده) از «ابوسعید خدری» نقل کرده که چون این

آیه نازل شد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فاطمه را طلبید و فدک را به او بخشید. در ذیل همان آیه روایت دیگری از «ابن عباس» به همین مضمون نقل شده است.

شاهد زنده دیگر بر این مدعا گفتار امیرمؤمنان علی(علیه السلام) در نهج‌البلاغه درباره فدک است که می‌فرماید: «آری تنها از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده، «فدک در دست ما بود، ولی گروهی بر آن بخل ورزیدند، در حالی که گروه دیگری سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و بهترین قاضی و داور خدا است.»

این به خوبی نشان می‌دهد که در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) «فدک» در اختیار امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام) بود، ولی بعداً گروهی از بخیلان حاکم، چشم به آن دوختند، و علی(علیه السلام) و همسرش بانوی اسلام به ناچار از آن چشم پوشیدند، و مسلماً این چشم‌پوشی با رضایت خاطر صورت نگرفت، چرا که در این صورت خدا به داوری طلبیدن و «نعم الحکم الله» گفتن معنی ندارد.

از علمای بزرگ شیعه نیز گروه عظیمی مانندمرحوم «کلینی» در «کافی»، و مرحوم «صدوق»، و مرحوم «محمد بن مسعود عیاشی» در تفسیر خود و... روایات مربوط به این قسمت را در کتب معتبر خود آورده‌اند.

برترین بانوی جهان فاطمه زهرا(علیها السلام) آیت‌الله مکارم شیرازی



مدیریت فرهنگی – مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی®

لحظه‌ای که زن به خدا نزدیک‌تر است

سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةُ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ(علیها السلام) ذَلِكَ قَالَتْ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرْ بَيْتِهَا

پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) از یاران خود پرسید:

در کدام لحظه، زن به خدا نزدیک‌تر است؟ پاسخ مناسبی مطرح نشد، تا اینکه حضرت زهرا(علیها السلام) سؤال پدر را شنید و پاسخ داد:

«آن لحظه‌ای که زن در خانهٔ خود می‌ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد» به خدا نزدیک‌تر است.

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۲



حدیث عبادت زهرا(علیها السلام)

نیاز نماز

حضرت فاطمه(علیها السلام) در نمازش از ترس خدا نفس نفس می‌زد و گریه در گلویش می‌شکست.

ارشادالقلوب، ص ۱۰۵

قدرشناس قدر

حضرت علی(علیه السلام) فرمود: فاطمه(علیها السلام) نمی‌گذاشت کسی از اهل خانه در شب‌های قدر به خواب رود. به آنان غذای کم می‌داد و از روز قبل برای احیای شب قدر آماده می‌شد و می‌فرمود: محروم کسی است که از برکات این شب محروم باشد.

دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲

نثار و ایثار

حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) از پدران‌ش نقل می‌کند: هرگاه حضرت فاطمه(علیها السلام) برای زنان و مردان مؤمن دعا می‌کرد و برای خود دعا نمی‌کرد، به او گفته شد: چرا شما برای مردم دعا می‌کنید اما برای خودتان دعا نمی‌کنید؟ فرمود: اول همسایه آنگاه خانه.

علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۶

محورهای هفت گانه خطبه فاطمه زهرا(علیها السلام)

این خطبه غزا و کم‌نظیر در حقیقت از هفت بخش تشکیل می‌شود و بر هفت محور دور می‌زند که هر کدام هدف روشنی را تعقیب می‌کند و باید جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

بخش اول: تحلیل فشرده و عمیقی پیرامون مسأله توحید و صفات پروردگار و اسماء حسنی و هدف آفرینش است.

بخش دوم: مقام والای پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مسؤولیت‌ها و ویژگی‌ها و اهداف او مورد بحث قرار گرفته است.

بخش سوم: از اهمیت قرآن مجید و عمق تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار و احکام، و پند و اندرزهایی در این رابطه سخن می‌گوید.

بخش چهارم: بانوی اسلام(علیها السلام) ضمن معرف خویش خدمات پدرش رسول‌الله(صلی الله علیه و آله) را به این امت بازگو می‌کند، و در اینجا بانوی اسلام(علیها السلام) دست آن‌ها را گرفته و به گذشته نزدیک جاهلی خود، برای یک دیدار عبرت‌انگیز، و مقایسه با وضعشان بعد از اسلام، و گرفتن درس از این دگرگونی، رهنمون می‌شود.

بخش پنجم: حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و حرکت و تلاش حزب منافقین برای محو اسلام بازگو کرده است.

بخش ششم: از غضب «فدک» و بهانه‌های واهی که در این زمینه داشتند، و پاسخ به این بهانه‌ها سخن می‌گوید.

بخش هفتم: به عنوان یک اتمام حجت از گروه انصار و اصحاب راستین پیامبر(صلی الله علیه و آله) استمداد می‌کند و گفتار خود را با تهدید به عذاب الهی پایان می‌دهد.

مصحف فاطمه (علیها السلام) چیست؟

سؤال: گویند حضرت فاطمه (علیها السلام) کتابی به نام مصحف دارد، که قرآن جامع همان است، و در دست امامان (علیهم السلام) دست به دست می گشته، و اکنون در نزد حضرت مهدی آل محمد (علیهم السلام) است، و هنگام ظهور، آن را آشکار می سازد، آیا این مصحف با قرآنی که در همه جا در دسترس ماست، فرق دارد؟

پاسخ: قرآنی که اکنون در همه جا در دسترس است، تحریف و کم و زیاد نشده، بلکه همان قرآنی است که با املاء پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نوشته شده و تنظیم گشته است، و شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نامگذاری سوره ها و تقسیم قرآن به ۱۱۴ سوره، و تنظیم آن به همین صورت فعلی نظارت کامل داشته است. ولی مصحف فاطمه زهرا (علیها السلام) کتاب دیگر با محتوای دیگر است، و هیچ گونه تضادی با قرآن ندارد. توضیح این که، مطابق روایات، مصحف فاطمه (علیها السلام) کتاب مخصوصی است با مطالبی که آن مطالب از ناحیه فرشته مخصوص یا جبرئیل به حضرت فاطمه (علیها السلام) القاء شده، و حضرت علی (علیه السلام) آن را نوشته و تدوین کرده است، در این کتاب سخنی از حلال و حرام نیست، بلکه مشتمل بر حوادث غیبی آینده و اسرار آل محمد (علیهم السلام) است، و در نزد امامان (علیهم السلام) دست به دست می گشته، و اکنون در نزد حضرت مهدی (علیه السلام) است و هنگام ظهور آن را آشکار می سازد، بنابراین نسبت فوق نارواست. در این راستا نظر شما را به چند روایت زیر جلب می کنیم:

۱. شیخ کلینی به سند خود از ابو عبیده نقل می کند: که یکی از اصحاب از امام صادق (علیه السلام) پرسید: «مصحف فاطمه (علیها السلام) چیست؟» امام صادق (علیه السلام) پس از سکوت طولانی فرمود: «فاطمه (علیها السلام) ۷۵ روز بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنده بود، و در این ایام از فراق پدر، بسیار غمگین بود. جبرئیل نزد فاطمه (علیها السلام) می آمد، و او را دلداری می داد و احوال و مقام های پدرش را برای او بیان می کرد، و از حوادث آینده و غیبی در مورد ظلم های دشمنان به فرزندانش به او خبر می داد، حضرت علی (علیه السلام) آن مطالب را می نوشت و آن (مجموعه) نوشته شده، همان مصحف فاطمه (علیها السلام) است.» اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، حدیث ۵

۲. روزی یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) به نام حماد بن عثمان در محضر آن حضرت بود، سخن از مصحف فاطمه (علیها السلام) به میان آمد، حماد می گوید: از آن حضرت شنیدم درباره مصحف فاطمه (علیها السلام) چنین فرمود: «هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، فاطمه (علیها السلام) بسیار اندوهگین شد که اندازه آن را کسی جز خدا نداند، در این هنگام فرشته ای به حضور فاطمه (علیها السلام) می آمد، فاطمه (علیها السلام) را دلداری می داد، و با او هم

سخن می شد، فاطمه (علیها السلام) حاضر شدن فرشته را احساس می کرد، و صدایش را می شنید، ماجرا را به حضرت علی (علیه السلام) خبر داد، حضرت علی (علیه السلام) به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «وقتی که حضور فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی، به من بگو.» آنگاه فاطمه (علیها السلام) به حضرت علی (علیه السلام) خبر می داد، حضرت علی (علیه السلام) نزد فاطمه (علیها السلام) می آمد و هر چه (از فاطمه یا از فرشته) می شنید، می نوشت. تا آن که از آن نوشته ها مجموعه ای به نام مصحف، تدوین شد، در آن مصحف چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن از حوادث (غیبی) آینده، خبر داده شده است.» اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۰، حدیث ۲

۳. امام صادق (علیه السلام) در سخن دیگری فرمود: «مصحف فاطمه (علیها السلام) در نزد ما است، معتقد نیستیم که در آن، چیزی از قرآن باشد، آنچه را که مردم به آن نیاز دارند در این وجود دارد و ما به کسی احتیاج نداریم، در آن مصحف، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش هست.» اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۰، حدیث ۳

۴. امام صادق (علیه السلام) در ضمن گفتار و احتجاج در رد مخالفان فرمود: «اگر آنها راست می گویند، مصحف فاطمه (علیها السلام) را که وصیتش در آن است، و سلاح پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز همراه آن است بیرون آورند.» یعنی مصحف فاطمه (علیها السلام) در نزد ما است، و وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) که در آن مصحف ذکر شده مخالفان را تکذیب می کند.

اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، حدیث ۴

۵. فضیل بن سکره می گوید: به محضر امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم، به من فرمود: آیا می دانی که اندکی قبل چه چیزی را مطالعه می کردم؟ گفتم: نه، فرمود: به کتاب فاطمه (علیها السلام) می نگریستم، نام همه سلاطین که در زمین فرمانروایی می کنند و همچنین نام پدران آنها در آن ذکر شده است، ولی من از نوادگان امام حسن (علیه السلام) (و زمامداری آنها) چیزی را در مصحف ندیدم.» اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۲، حدیث ۸

از این روایات فهمیده می شود، که مصحف فاطمه (علیها السلام) کتابی غیر از قرآن است، و حاوی مطالبی از اخبار آینده و اسراری است که توسط جبرئیل یا فرشته دیگر به حضرت فاطمه (علیها السلام) القاء شده، و نیز مشتمل بر وصیت حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد که حضرت علی (علیه السلام) آن مطالب را تنظیم و تدوین نموده است، و این مصحف در نزد امامان (علیهم السلام) می باشد. بنابراین آنچه بعضی به شیعه نسبت داده اند که مصحف فاطمه (علیها السلام) در نزد شیعیان همان قرآن حقیقی است و امام عصر (علیه السلام) هنگام ظهور، آن را آشکار می کند، و آن غیر از این قرآنی است که در دسترس مسلمانان می باشد، نسبت بیهوده و ناروا است.

به نقل از پاسدار اسلام، ش ۲۴۶

ایندفدر پی فیر من مظلومه نگر دپد
هرجا دلخان می شکند فیر من آجاست

فاطمه زهرا

ابلیس از غدیر تا سقیفه

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من خبر داد که ابلیس و بزرگان اصحابش هنگام منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امر خداوند در روز غدیر خم حاضر بودند. آن حضرت به مردم خبر داد که من نسبت به آنان از خودشان صاحب اختیارترم و به ایشان دستور داد که حاضران به غایبان برسانند. (در آن روز) شیاطین و مریدان از اصحاب ابلیس رو به او کردند و گفتند: «این امت، مورد رحمت قرار گرفته و حفظ شده اند، و دیگر تو و ما را بر اینان راهی نیست. چرا که پناه و امام بعد از پیامبرشان به آنان شناسانده شد». ابلیس مأیوس و محزون رفت. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: بعد از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من خبر داد و فرمود: مردم در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت می کنند بعد از آنکه با حق ما و دلیل ما استدلال کنند. سپس به مسجد می آیند و اولین کسی که بر منبر من با او بیعت خواهد کرد، ابلیس است که به صورت پیرمرد سالخورده پیشانی پینه بسته چنین و چنان خواهد گفت. سپس خارج می شود و اصحاب و شیاطین و ابلیس هایش را جمع می کند. آنان به سجده می افتند و می گویند: «ای آقای ما، ای بزرگ ما، تو بودی که آدم را از بهشت بیرون کردی!» (ابلیس) می گوید: «کدام امت پس از پیامبرشان گمراه نشدند؟ هرگز! گمان کرده اید که من بر اینان سلطه و راهی ندارم؟ کار مرا چگونه دیدید هنگامی که آنچه خداوند و پیامبرش درباره اطاعت او دستور داده بودند ترک کردند». و این همان قول خداوند تعالی است که «و لقد صدق علیهم ابلیس ظنه فاتبعوه

الا فریقاً من المؤمنین» (سبأ/ ۲۰)، ابلیس گمان خود را به آنان درست نشان داد و آنان به جز گروهی از مؤمنین او را متابعت کردند.

تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

محمد دشتی، ص ۵۲

حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه امام حسین (علیه السلام)

در روز عاشورا، در آن هنگام که لشکر دشمن امام حسین (علیه السلام) را احاطه کرد. ضمن خطبه مفصلی فرمودند: «مرا بین کشته شدن و ذلت مخیر کرده اند و من هرگز تن به پستی نمی دهم. خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) مرا از چنین کاری باز می دارند. همچنین نیاکان پاک و دامن های مطهر و پاکیزه اجازه چنین پذیرشی را به من نمی دهند

بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹

در یک کلام، امام حسین (علیه السلام) دلیل پایمردی و مقاومت خویش را تربیت الهی فاطمه (علیها السلام) می داند.

امام حسین (علیه السلام) نقل می کند: «آن زمان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه ام سلمه بود، صررائیل (یکی از فرشتگان الهی) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: نور را به عقد نور درآور. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه کسی را برای چه کسی؟ گفت: دخترت فاطمه (علیها السلام) را برای علی بن ابی طالب (علیه السلام). سپس در حضور جبرئیل و میکائیل و صررائیل فاطمه (علیها السلام) را به عقد علی (علیه السلام) درآورد.»

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳، حدیث ۳۱